

به نام خدا

# تأثیر اندیشه های مزدک بر قیام های ایرانی (از آغاز خلافت عباسی تا عصر معاصر)

مؤلف :

راضیه خزائی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: خزائی، راضیه، ۱۳۵۶  
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر اندیشه های مزدک بر قیام های ایرانی (از آغاز خلافت عباسی تا عصر معتمد)/مؤلف راضیه خزائی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۶۴-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: اندیشه های مزدک - قیام های ایرانی - خلافت عباسی - عصر معتمد  
رده بندی کنگره: PN۲۱۶۸  
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۲۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۷۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تاثیر اندیشه های مزدک بر قیام های ایرانی (از آغاز خلافت عباسی تا عصر معتمد)

مؤلف: راضیه خزائی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۱۴۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۶۴-۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

مقدمه..... ۷

### فصل نخست: اوضاع داخلی ایران در عهد ساسانی (زمینه‌های ظهور مزدک) ... ۹

- اشاره ..... ۹
- اوضاع سياسي ايران در عهد ساساني ..... ۹
- اوضاع اجتماعي ايران در عهد ساساني ..... ۱۴
- وضعیت زنان در ایران عهد ساسانی ..... ۱۸
- اوضاع مذهبي ايران در عهد ساساني ..... ۲۱
- اديان و فرقه‌هاي عهد ساسانيان ..... ۲۵
- آيين‌هاي شرق و غرب در ايران ..... ۲۹
- مانويت در ايران ..... ۳۱
- ماني و اعتقادات او ..... ۳۲
- اوضاع اقتصادي ايران در عهد ساساني ..... ۳۵

### فصل دوم: ظهور مزدک بامدادان ..... ۳۷

- اشاره ..... ۳۷
- ورود مزدک به صحنه انقلابي ايران باستان ..... ۳۸
- تأثير اندیشه‌هاي ايراني و غير ايراني بر اندیشه‌هاي مزدک ..... ۴۳
- مزدک پيغمبر مردم‌گراي ..... ۴۸
- آموزه‌هاي مزدک ..... ۴۹
- آموزش نور و ظلمت ..... ۴۹
- آموزش عدالت و برابري (با تأکید بر برابري مالي) ..... ۵۱
- اندیشه‌ي اشتراك زن ..... ۵۴
- اصلاح دين زردشت ..... ۵۷
- مزدک و دولت ..... ۵۹
- مزدک و مردم ..... ۶۲

پایان کار مزدک ..... ۶۴

## فصل سوم: نقش مزدکیان در دوران خلفای اموی و عباسی ..... ۶۹

تحوّلات انتقال از دولت ساسانی به عصر خلافت اسلامی ..... ۶۹

شکل‌گیری نهضت شعوبیه ..... ۷۳

ورود ابومسلم به صحنه‌ی سیاست ..... ۷۴

دعوت عباسی و قتل ابومسلم ..... ۷۶

مزدکیان در ایران اسلامی ..... ۷۸

جایگاه مزدکیان در ایران اسلامی ..... ۷۹

اصطلاح خرم‌دینی و زندقه ..... ۷۹

آیا خرم‌دینان همان مزدکیانند؟ ..... ۸۲

محل زندگی مزدکیان (خرم‌دینان) در ایران اسلامی ..... ۸۴

اعتقادات خرم‌دینان ..... ۸۵

نزدیکی خرم‌دینان با فرق اسلامی و تأثیرپذیری متقابل ..... ۹۰

## فصل چهارم: قیام‌های متأثر از اندیشه‌های مزدک در اوایل حکومت عباسی ..... ۱۰۵

زمینه‌ها و شرایط بروز قیام خرم‌دینان ..... ۱۰۵

نام جنبش خرم‌دینان در تألیفات نویسندگان اسلامی ..... ۱۰۸

فیروز اسپهبد معروف به سنباد (۱۳۷ق./۷۵۵م.) ..... ۱۱۱

سنباد و دوستی او با ابومسلم و اعتقادات مذهبی ..... ۱۱۲

کلام اصولی سنباد و گرد آمدن مزدکیان و غلات و زرتشتی اطراف او ..... ۱۱۴

قیام سنباد ..... ۱۱۵

اسحق تُرک (در فاصله سال‌های ۱۳۷ و ۱۴۰ق./۷۵۵ و ۷۵۹م.) ..... ۱۱۷

زمینه‌های قیام اسحق ..... ۱۱۷

اطلاعات مبهم منابع در مورد شخصیت و قیام اسحاق ..... ۱۱۹

جنبش‌های مزدکی در عهد مهدی عباسی (۱۶۹-۱۵۸ق./۷۸۵-۷۵۵م.) ..... ۱۲۱

قیام سرخ‌علمان گرگان (۱۶۲ق./۷۷۸م.) ..... ۱۲۲

قیام الْمُقَنَع (۱۶۱-۱۵۹ق./۷۷۸-۷۷۶م.) ..... ۱۲۳

- شخصیت، اعتقاد مزدکی و یاران المقنع ..... ۱۲۴
- قیام المقنع حرکتی ضد اسلامی ..... ۱۲۸
- شهرت و نتیجه‌ی قیام المقنع ..... ۱۳۲
- عواملی که باعث شهرت المقنع گردید، عبارتند از: ..... ۱۳۳
- خرمیان اصفهان (۱۹۲ق./۸۰۷م.) در عهد هارون خلیفه عباسی ..... ۱۳۶
- زمینه‌های قیام خرمیان (بابک خرم‌دین) (۲۰۱ق./۸۱۶م.) ..... ۱۳۷
- منابع و مأخذ..... ۱۴۱**



## مقدمه

نهضت مزدک حاصل پدیده‌های اجتماعی عمیق و ماندگار سال‌های پیش از حکومت قباد ساسانی بود. پذیرش اندیشه‌های مزدک از سوی اجتماع قحطی‌زده عصر قباد، نشان‌دهنده‌ی نارضایتی شدید اجتماعی و اقتصادی بود. مزدک که گویا از موبدان دربار پادشاهی قباد به‌شمار می‌رفت، با درک چنین مقتضیاتی، علیه ستم و بی‌عدالتی موجود در جامعه‌ی آن روز به‌پا خاست. آراء و اندیشه‌هایی که مزدک با توسل به آن‌ها، به کمک مردم شتافته بود، دارای سرچشمه‌های شدیداً انقلابی بود که با گذشتن از اعصار، اجتماعات و افراد متفاوت، هرچه بیش‌تر پررنگ‌تر گشته بود. قیام او حرکتی مذهبی- اجتماعی بود، که از یک سو، روحانیون و موبدان دربار ساسانی را به دشمنی واداشت و از سوی دیگر، مردم بسیاری از طبقات پایین جامعه را به سوی خود کشاند. آنچه مزدک و اندیشه‌های او را ماندگار ساخت، شعار برابری بود، که تا پای جان از ابراز آن دست برنداشت و حکمرانان ساسانی را وادار کرد تا تغییرات اساسی در جهت رضایت مردم و استواری پایه‌های لرزان جامعه انجام دهند. مزدک از بین رفت؛ اما از اندیشه‌ی او سایه‌های وحشتی برای جوامع استبدادی باستان تا دوره اسلامی پدید آمد. همین موضوع سبب نسبت دادن تهمت‌های فراوانی به اندیشه مزدک شد که تا کنون وجود دارد. اندیشه‌های مزدک سیر انقلابی خود را تا دوره اسلامی حفظ کرد و هر جا زمینه مناسبی برای ظهور می‌دید، در پوشش حرکت‌های متفاوتی خود را ظاهر می‌ساخت. هدف این پژوهش بررسی جانبدارانه از آراء و عقاید مزدک نیست؛ بلکه تلاش بر آن است تا با استفاده از منابع تاریخی، ضمن شناخت اندیشه مزدک و تأثیر ظهور ابومسلم بر شکل‌گیری دگرباره اندیشه‌های مزدکیان، تأثیر این اندیشه‌ها بر قیام‌های عصر نخست عباسی (از آغاز خلافت عباسیان تا دوره معتصم) که دوره ایرانی‌گری خلافت است، بررسی و تبیین شود.

از آن رو که این پژوهش در حوزه مطالعات تاریخی است، تهیه اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای از چندین دسته منابع شامل: تواریخ عمومی، تواریخ محلی، طبقات و وفیات، منابع آداب الملوک، منابع ادیان و فرق، متون جغرافیایی و پژوهش‌ها و مطالعات نویسندگان معاصر بوده است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی موضوع پرداخته شده است.

مباحث این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل نخست سعی شده است زمینه‌های سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و مذهبی ظهور مزدک به اجمال بیان شود. در بُعد سیاسی،

جنگ‌های خانمان‌سوز دولت ساسانی با همسایگان شرق و غرب وضعیت کشور را از نظر اقتصادی و اجتماعی ضعیف و رقت‌بار کرده بود. خشک سالی پی در پی عهد فیروز ساسانی (۴۸۴-۴۸۸ م.) ضربه مهلکی بر پیکر کشاورزی آن زمان فرود می‌آورد. همچنین فاصله طبقاتی در جامعه ساسانی، نارضایتی شدیدی را به همراه داشت.

فصل دوم، به ظهور مزدک و اندیشه‌ها و پایان کار او می‌پردازد. از جمله شعار او، برابری و برادری در مال و خواسته و زن بود. منظور او از برابری در زن، اشتراک زن نبود؛ بلکه او اعتقاد داشت که همه باید بتوانند حداقل دارای یک زن باشند. از ایده‌های انقلابی او، پیروزی نور بر تاریکی است که بعدها مورد استفاده انقلاب‌گران عهد اسلامی شد. با چنین ایده‌هایی، جامعه‌ی آن روز به هم خورد و هرج و مرج کشور را فرا گرفت و انوشیروان پادشاه ساسانی (۵۷۸-۵۳۱ م.) برای پایان دادن به این نابسامانی، مزدک را به قتل رساند. یاران مزدک به مناطق مختلف ایران گریختند تا بتوانند مجالی برای ظهور دگرباره خود بیابند.

در فصل سوم، مزدکیان ایران در زمان امویان و عباسیان بررسی می‌شود. با مرگ ابومسلم فرصت دیگری برای مزدکیان پدید آمد. ابومسلم با چهره ممتاز خود علاقمندان فراوانی گرد خویش فراهم آورد. او به دلیل مبارزه علیه ستم و بی‌داد خلفای بنی‌امیه توانسته بود گروه‌های فراوانی را به خود جذب کند. از جمله‌ی این گروه‌ها مزدکیان بودند.

در فصل چهارم نیز به قیام‌های اوایل حکومت عباسی پرداخته شده که اندیشه‌های مزدکی بر آنها تأثیر داشته است، از جمله، قیام‌های: راوندیه، سنباد، محمره‌گران، المقنع، اسحق ترک، بابک خرم‌دین و خرمیان و دیگران. در این فصل کوشش شده است که در لابه‌لای اندیشه‌های قیام‌کنندگان، اندیشه‌های مزدکی آن‌ها پی‌گیری و تبیین گردد. زیرا اندیشه‌های مزدک دستاویز محکمی بود برای گروه‌های معترض به فساد حکومت عباسی و ظلم و ستمی که فرمان‌روایان این حکومت نسبت به سرزمین‌های زیر سیطره خود روا می‌داشتند. در عمق اندیشه‌های مزدک، مبارزه علیه ظلم و ستم و نابرابری در حدّ یک قیام عمومی و بسیار وسیع مشاهده می‌شود، که سبب می‌شد گروه‌های معترض علیه خلافت عباسی، به این اندیشه‌گرایش پیدا کنند و آموزه‌های مزدک را در جهت رسیدن به اهداف خویش تا پای مرگ به کار برند. از این رو، مورخان عهد عباسی چهره‌ای مخدوش از این قیام‌ها ترسیم کرده‌اند تا عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی آن‌ها پوشیده بماند و تصویری از بی‌دینی، آب‌حی‌گری و خون‌ریزی از آنان در اذهان جلوه‌گر شود.



# فصل نخست: اوضاع داخلی ایران در عهد ساسانی

## (زمینه‌های ظهور مزدک)

### اشاره

پیدایش هر جنبش اجتماعی، به طور معمول وابستگی مستقیمی با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد که در زمان بروز آن نهضت بر یک کشور حکم فرماست. کیفیت همین اوضاع داخلی است که نقطه‌ی آغاز جنبش را پایه می‌گذارد و اساس هدف‌های آن را بنا می‌نهد. پیدایش مکتب مزدک نیز از این قاعده‌ی کلی مستثنی نبوده است. با توجه به اوضاع داخلی شاهنشاهی ساسانیان در حوالی سال ۴۹۰ میلادی و بررسی اساسی و ماهیت این اوضاع به خوبی می‌توان به علل ظهور جنبش مزدکیان در این زمان پی برد و به آن‌چه که انگیزه‌ی نهایی این قیام ملی بوده است، آگاهی یافت.

### اوضاع سیاسی ایران در عهد ساسانی

احیا و تجدد ایران پس از ضعف سلسله‌ی اشکانیان ا توسط سلسله‌ای جدید صورت گرفت به نام ساسانیان که کانون قدرت آنان ایالت فارس بود، یعنی همان سرزمین باستانی جنوب غربی ایران که قریب به هزار سال پیش، نخستین قبایل پارس در آن مستقر شده بودند. تخت شاهنشاهی به دست سلسله‌ای از پادشاهان ملی افتاد که خود را وارث هخامنشیان معرفی می‌کردند. ساسانیان پس از آن که تاج و تخت را بر اثر منازعات طولانی به دست آوردند، حکومتی ملی تأسیس کردند که متکی به دین زردشتی بود که شاید از جنبه ایرانیت در سراسر تاریخ گسترده‌ی ایرانیان نظیر نداشته است.<sup>۲</sup>

ایران پیش از آن فقط اسماً کشوری بود متحد که در تحت سلطه‌ی سلاله‌ی پارتی اشکانیان قرار داشت. ولی در واقع مرکب بود از یک عده ایالات نیمه مستقل و گاهی نیز مستقل و پراکنده که

---

<sup>۱</sup>. بزرگ‌ترین دلیل ضعف اشکانیان، وجود نظام ملوک‌الطوایفی در حکومت آنان بوده است. هم‌چنین به سیاست آزاد دینی آنان و وجود ادیان مختلف در دولت و ملت آنان می‌توان اشاره کرد که نارضایتی موبدان زردشتی را فراهم می‌آورد.

<sup>۲</sup>. گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۳۶، ص ۳۴۵.

در رأس آن‌ها حاکمانی از اعیان محلی که نماینده‌ی خاندان‌های مقتدر اشرافی بودند، قرار داشتند. اولی با تشکیل حکومت ساسانیان بساط حکومت ملوک‌الطوایفی برچیده شد و دولت نیرومند و مرکزی ساسانی در سال ۲۲۶ میلادی تأسیس شد. از نظر مسایل خارجی، ساسانیان به طور متناوب در سه جبهه محاربات را ادامه می‌دادند: با رومیان در غرب، با کوشانیان و هیاطله در شرق و با بدویان در شمال.<sup>۱</sup> هیاطله مردمی بودند که از ماورای جیحون به ممالک سکاها حمله کردند و آنان را از آن‌جا راندند و خود در آن‌جا ساکن شدند. این مردم را هون‌های سفید و هیاطله‌ی خیونی یا هیونیت<sup>۲</sup> گزیز می‌گفتند. هون‌ها گذشته از وحشتی که در شرق پدید آوردند؛ بلیه‌ی بزرگی نیز برای اروپاییان شدند. چنان‌که فتنه‌ی آنان در اروپا مانند فتنه‌ی مغول در ایران بود.

در هر صورت پادشاهان ساسانی هر کدام به جنگ‌های جداگانه‌ای با هیاطله پرداختند که موجب ضعیف شدن بنیه‌ی نظامی کشور شد. مسأله‌ی دشوار ارمنستان نیز بخشی از مساعی آنان را مصروف خود می‌داشت بدون آن‌که انتظامی قطعی برقرار شود. ارمنستان از لحاظ نژادی و دینی متمایل به کشور روم بود. در سال‌های (۳۴۲-۲۸۷ م.) روحانیون مسیحی تحت رهبری و هدایت یکی از دودمان مقتدر به نام گریگوری بودند. ساسانیان به هیچ عنوان مایل نبودند نفوذ خویش را در امور مربوط به ارمنستان از دست بدهند. آن عده از نجبایی که از استیلای رومی‌ها بر ارمنستان ناراضی بودند از وجود قدرت ساسانی حمایت می‌نمودند. بدین ترتیب آتش اختلاف در داخل و بیرون ارمنستان بین ایران و روم همیشه داغ و پرحرارت بود. همین مسأله، پادشاهان ایران را از قدرتی که در غرب و جنوب در حال شکل‌گیری بود غافل می‌داشت. از همه مهم‌تر، منازعه‌ی حقیقی طبقات به شکل جنبش کمونیسم که مبانی جامعه‌ی ایرانی را لرزاند و در شهرها و قصبات خون‌ها جاری کرد، همه‌ی این عوامل برای سقوط شاهنشاهی در همان زمان که وی در نظر جهانیان به اوج قدرت خود رسیده بود، دست به هم دادند. ضربت قاطع از

۱. پیگولو سکایا، ن.، تاریخ ایران، از دوران باستان تا پایان قرن ۱۸، ترجمه کریم کشاورز، ج ۴، تهران: پیام، ۱۳۵۴، ص ۶۷.

۲. گیرشمن، پیشین، ص ۳۴۶.

۳. Chionites- Hephtalites.

۴. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران، ج ۲، تهران: خیام، ۱۳۴۵، ص ۱۹۲؛ پیگولوسکایا، پیشین، ص ۷۲، ۸۸، ۹۱.

۵. دیاکونف، م. م.، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، ص ۳۸۵.

سوی دشمنان ایران - که مدت چند سده قوای آن را فرسوده کردند - وارد نشد. بلکه از طرف قوم جدید عرب که تازه از زندگانی بدوی چادرنشینی به درآمده بودند - اما انگیزه‌ی دینی داشتند - وارد آمد. این قوم برای مدت‌ها در تسلط کامل ایران بود، اما این وضع برای همیشه پایدار نماند. زیرا بعد از آن همه آوازه و نام و نشان ایرانیان، همین قوم بدوی و چادرنشین، اقتدار و شکوه دنیای باستان ایران را در هم شکست.

برای روشن شدن اوضاع ایران پیش از مزدک، ابتدا به وضعیت سیاسی پادشاهانی نظیر بلاش، پیروز و یزدگرد دوم می‌پردازیم که اوضاع داخلی مملکت ایران در زمان این پادشاهان زمینه‌ای برای ظهور مزدک بود. پادشاهان پیش از قباد، پیروز و یزدگرد دوم بودند. یزدگرد چون به پادشاهی رسید، مجلس بار عام را برانداخت. زمان پادشاهی او سراسر در مبارزات مذهبی گذشت. او ابتدا با عیسویان مهربان بود، اما بعد از تغییر روحی که پیدا کرد نسبت به عیسویان سخت‌گیری‌های بسیار کرد. او تمام ادیان کشور خود را مطالعه کرد و گفت هر کدام بهتر است انتخاب شود و سرانجام، دیانت زردشتی را پذیرفت. وی بر آن شد که این مذهب را به زور بر مسیحیان و یهودیان تحمیل کند، و برای اجرای این نقشه، شدت عمل به خرج داد، ولی نتیجه‌ی اساسی نگرفت. زیرا مشاجرات مذهبی روح همه را خسته کرده بود و کم‌کم زمینه برای پدید آمدن اندیشه‌های نو در دین زردشت پدیدار گشت. یزدگرد در سال (۴۵۷ م.) درگذشت. او دو پسر داشت، پیروز (فیروز) و هرمز. پیروز پسر بزرگ‌تر چون خبر یافت که برادر کوچک‌تر به تخت سلطنت نشسته، به کمک هپتالیان به جنگ او شتافت و برادر را شکست داد.<sup>۴</sup>

۱. گیرشمن، پیشین، ص ۳۴۵.

۲. کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۹، ص ۳۰۷؛ پیگولوسکایا، پیشین، ص ۹۰.

۳. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۶۱۳.

۴. تفصیل این درگیری در: مسکویه الرازی، ابوعلی، تجارب الامم، حقه و قدم له ابوالقاسم امامی، الجزء الاول، طهران: دار سروش للطباعة و النشر، ۱۳۶۶، صص ۸۶-۸۵؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، صص ۲۰۱-۲۰۰؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، چ ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ص ۶۲۷.

وضع داخلی شاهنشاهی در زمان پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م.) وخیم بود. قحطی در مدت چند سال پایب، شهرها و نواحی را تخریب کرد و شاه را بر آن داشت که از مالیات صرف نظر کند و حتی به توزیع گندم بپردازد. مشاجرات مذهبی در کشور بیداد می‌کرد. اغیر از مشاجرات مذهبی و قحطی، کم آبی نیز به خرابی وضع اقتصادی مملکت کمک می‌کرد. این اوضاع نابسامان عهد پیروز و سیاست‌های وی، در منابع تاریخی بازتاب یافته است. آجنگ‌های او با هیاطله، وی را به پرداخت خراجی هنگفت به آنان ملزم نمود و ناگزیر شد پسرش قباد را پیش از پرداخت خراج به عنوان گروگان به آنان ب‌سپارد. خراج مزبور از طریق تحمیل مالیات‌های جدید و کمک مجدد رومیان می‌باید تهیه می‌شد. با تمام این سختی‌ها که شکست در جنگ آن‌را تشدید می‌کرد. پیروز که شاهد سختی حال مردم بود برای تخفیف دردهای آنان همه‌گونه سعی و همت به کار برد.

به قول طبری مورخ معروف «به روزگار فیروز هفت سال قحطی شد و تدبیر این کار نکو کرد و هرچه در خزانه بود بخش کرد و خراج نگرفت مردم را به خوبی راه برد که در آن سال‌ها تنها یکی از گر سنگی ب‌مرد.»<sup>۱</sup> همو در ادامه نوشته است که «گویند (در قحطی هفت ساله) جوی و کاریز و چشمه فرو شد و درخت و بیشه بخشکید و به دشت و کوه، کشت و جنگل تباہ شد و پرنده و درنده ب‌مرد و گوسفند و چهارپا گرسنه ماند و بار نتوانست برد و آب دجله کم شد و همه‌ی مردم به گرسنگی و محنت و سختی افتادند و به همه‌ی رعیت نوشت و اعلام کرد که خراج و جزیه و نوبتی و بیگاری برداشته شد و اختیار خویش دارند و بفرمود تا برای تحصیل قوت بکوشند و در نامه‌ای دیگر نوشت که هر که انبار و ذخیره دارد که قوت مردم تواند شد درآرد و در آن شرکت کنند و خاص کس نباشد و توانگر و بینوا و شریف و حقیر همانند باشند و اعلام کرد اگر خبر یافت که انسانی از گرسنگی ب‌مرد، مردم آن شهر یا دهکده یا محل مرگ وی را عقوبت سخت خواهد کرد.»<sup>۲</sup> ب‌دین گونه تلفات انسانی را به حداقل رسانید. این روایت نشانه‌ای از حسن تدبیر وی در مدیریت کشور در قحطی هفت ساله می‌باشد. ظاهراً تشریفات

۱. گیرشمن، پیشین، ص ۳۵۹؛ پیرنیا، پیشین، ص ۲۰۲.

۲. ر.ک: مسکویه الرازی، پیشین، ص ۸۶؛ طبری، پیشین، صص ۶۲۹-۶۲۸.

۳. دیاکونف، پیشین، ص ۳۵۹.

۴. طبری، پیشین، ص ۶۲۸.

۵. همان، ص ۶۲۹.

جشن آبریزگان یادآور عهد پیروز است. این جشن احتمالاً باید به یاد بارانی باشد که پس از سال‌ها قحطی و خشک‌سالی، کشور را در این ایام سیراب کرد.<sup>۱</sup>

حکومت روم از سیاست غیر عاقلانه‌ی پیروز در رابطه با جنگ هیاطله خرسند بود و میل داشت که در ایران حکومتی پوشالی و ضعیف وجود داشته باشد، تا ضمن جلوگیری از حملات احتمالی وحشیان، هیچ‌گاه به متصرفات امپراتور روم تجاوز ننماید.<sup>۲</sup>

پیروز همین که وضع مالی خود را مرمت کرد بار دیگر با هیاطله درافتاد و جان خود را از دست داد.<sup>۳</sup> اگر نتیجه‌ی این شکست‌ها، هیاطله بر اوضاع سیاسی ایران مسلط شدند و در مدتی متجاوز از نیم سده در مشاجراتی که بین مدعیان تاج و تخت روی داد و همچنین در توطئه‌های درباری به طور مؤثری دخالت می‌کرده است. چنان‌که قباد چند سال نزد آنان بود و چنان‌چه خواهیم دید به کمک آنان به سلطنت رسید.<sup>۴</sup>

پیش از این‌که قباد به سلطنت برسد، بلاش (ولاش) به حکومت رسید که در زمان او جنگ‌های با هیاطله با صلح به پایان رسید و قرار شد ایران مبلغی را به آنان بپردازد. در این زمان جنگ‌های خانگی بر سر قدرت که بین بلاش و برادرش زارن برقرار بود، اوضاع مملکت را آشفته‌تر می‌ساخت. لدر این زمان پول در خزانه کم بود و اخذ مالیات از مردم دشوار شده بود. روستاییان فقیر و ناتوان شده از دهکده‌ها می‌گریختند. فقر و گر سنگی موجب غلیان گشت و بلاش ناگزیر علیه دهقانانی که روستاییان آنان بر اثر فقر و تنگدستی بیچاره شده بودند، زمین و خانه‌ی خود را ترک می‌گفتند، اقداماتی به عمل آورد. ولی این اقدامات ناچیز هم که به منظور بهبود وضع روستاییان رنجیده به عمل آمده بود، متوقف شد. عروحنیون و اعیان که از اقدامات

۱. پیرنیا، پیشین، ص ۲۰۲.

۲. راوندی، پیشین، ص ۶۱۴.

۳. دیاکونف، پیشین، ص ۳۶۰. مشروح درگیری پیروز و هیاطله در: مسکویه الرازی، پیشین، صص ۸۸-۸۷؛ طبری، پیشین، صص ۶۳۱-۶۳۰.

۴. راوندی، پیشین، ص ۶۱۴.

۵. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، ج ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰.

۶. از حسن تدبیر وی آن بود که اگر می‌شنید خانه‌ای خراب شده و مردمش کوچ کرده‌اند، صاحب دهکده‌ای را که خانه در آن بود عقوبت می‌کرد که چرا کمکشان نکرده تا ناچار به کوچ کردن نشوند. طبری، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۷.

بلاش ناراضی بودند به کمک لشکریان - که بلاش نمی‌توانست مزد مطلوبی به ایشان بپردازد- وی را سرنگون و چشمانش را کور کردند و در سال ۴۸۸ م. قباد پسر پیروز را به سلطنت برداشتند.<sup>۱</sup>

پیش از این که به بحث مربوط به حکومت قباد پرداخته شود، باید در نظر داشت که اساساً در طول تاریخ اجتماعات مختلف، حکومت‌های سلطنتی و مرکزی در عین آن که بر طبقات اشرافی و نجبا تکیه کرده‌اند، با وجود این، همیشه آنان را موانع عمده برای بسط قدرت مطلقه‌ی خود می‌دانستند.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، اشراف زمین‌دار و فرمانروایان محلی در همان حال که پادشاه را رئیس عالی‌ه‌ی خود می‌دانستند، بسط فرمان‌روایی و اعمال قدرت مطلقه از طرف وی را تجاوز به نفوذ و حقوق محلی و طبقات خود می‌دانستند. مبارزه و کشمکش قدرت بین مقام سلطنت از یک سو و نجبا و اشراف از سوی دیگر، یکی از مشخصات تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران می‌باشد. از اواسط عهد ساسانیان با افزایش روزافزون نفوذ نجبا و روحانیون اقتدار پادشاه و خانواده‌ی سلطنت رو به تنزل گذارد. از این زمان مقام سلطنت بیش از پیش زیر نفوذ این طبقه قرار گرفت و حتی در چند مورد اشراف و روحانیون، شاهان را عزل و نصب کردند.<sup>۳</sup> در گیرودار مشکلات اقتصادی و بی‌عدالتی اجتماعی، هم‌چنین هرج و مرج ناشی از شکست‌های عهد پیروز و دوران بلاش، قباد برای در هم شکستن قدرت روزافزون طبقه‌ی اشراف در ابتدای کار متکی به جنبش جدید مذهبی و اجتماعی گردید.<sup>۴</sup>

### اوضاع اجتماعی ایران در عهد ساسانی

در بیش‌تر انقلاب‌های جهان، علت عمده‌ی دگرگونی اوضاع اجتماعی کشاکش بین تولیدکنندگان و بهره‌برداران، تزلزل در عقاید دینی، هجور و تعدی طبقات بالادست بر مردمان

<sup>۱</sup> . پیگولوسکایا، پیشین، ص ۹۸.

<sup>۲</sup> . راوندی، پیشین، ص ۶۳۱.

<sup>۳</sup> . کریستین‌سن، پیشین، ص ۲۸۸.

<sup>۴</sup> . گیرشمن، پیشین، ص ۳۶۱. در بخش مربوط به ظهور مزدک، به طور کامل به مشکلات قباد و نحوه‌ی روبه‌رو شدن با آن پرداخته می‌شود.

<sup>۵</sup> . پایبند نبودن به نکات اخلاقی دین موجود در جامعه و سخت و پیچیده شدن مسائل دینی، مانند آن‌چه که در عهد قباد، جامعه مذهبی و غیر مذهبی در آن دست و پا می‌زد.

ضعیف و هرج و مرج در سازمان دولتی بوده است. بنا بر این، در یک بررسی تاریخی لازم است زمینه‌های پیدایش این جنبش را از لحاظ اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم.

نهیست مزدکیان در دوره ساسانیان، حاصل پدیده‌های اجتماعی عمیق و برهم خوردن قانون پیشرفت متناسب نیروهای مولد و مناسبات تولیدی بود. نهیست مذکور، توده‌های قابل ملاحظه‌ای از مردم را فرا گرفت. این نکته به ویژه در نهیست‌های تاریخی روزگار باستان و سده‌های میانه صادق است. در این نهیست‌ها طبقات گوناگون جامعه شرکت داشتند ولی نیروهای عمده‌ی این نهیست‌ها روستاییان بودند. ساسانیان با آن که موفق گردیدند مردم ایران را در یک چارچوب اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی جمع و وحدت کامل جامعه‌ی ایرانی را به وجود آورند، اما به واسطه‌ی ویژگی طبقاتی و اشرافی مطلق رژیم، قشرهای وسیع، که عبارت از طبقه‌ی پایین شهری و روستاییان بودند در شرایطی سخت، مانند غلامی به سر می‌بردند.<sup>۲</sup>

در زمان ساسانیان دو طبقه‌ی مجزا از هم وجود داشت: ۱. اشراف، ۲. توده‌ی مردم. گروه اشراف شامل روحانیون و خانواده‌های اشرافی بود که خود به چندین گروه تقسیم می‌شدند. در میان طبقه‌ی نجبا، شاه و اعضای خاندان سلطنتی از قدرت بیش‌تری برخوردار بودند و شاهزادگان و شاهان ایالات تابع، یعنی شهرداران، در مراحل پایین‌تری قرار داشتند. پس از گروه‌های نامبرده، «واسپوهران» یعنی اعضای خاندان‌های متشخص بودند که برخی از آنان اصل پارتی داشتند. در ردیف‌های بعدی، نجبای بزرگ، وزرگان و سپس نجبای فرودست یعنی آزادان جا داشتند که خود به گروه‌های گوناگون کوچک‌تری تقسیم می‌شدند. سومین قدرت بزرگ اشراف که در موقعیت‌های سیاسی نیز نقش حساسی را ایفا می‌کردند، طبقه‌ی روحانیون یا مغان بود که تصمیم‌نهایی در مورد کلیه‌ی امور شرعی، اجرای مراسم دینی و ارشاد مذهبی را به عهده

۱. پیگولوسکایا، ن.، شهرهای ایران، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۳.

۲. پیگولوسکایا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان قرن ۱۸، ص ۷۹.

۳. کلیما، اوتاکر، تاریخ جنبش مزدکیان، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، تهران: توس، ۱۳۵۹، ص ۲۹؛ کریستین‌سن، پیشین، صص ۱۱۸-۱۳۳؛ گیرشمن، پیشین، صص ۳۷۳-۳۷۱؛ پیرنیا، تاریخ ایران، صص ۲۴۲-۲۴۰.